رویش روان شناسی، سال ۸ ، شمارۀ٦ ، شماره پیاپی **۳۹** ، شهریور ۱۳۹۸
Rooyesh-e-Ravanshenasi, 8(6), 2019

بررسی رابطه سبک دلبستگی و تمایز یافتگی به عنوان عاملی موثر بر تاب آوری دانشجویان

Investigation the relationship between attachment style and differentiation as an effective factor on student resilience

راضیه ولی ئی
دانشجوی رشته روان شناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
آیت کریمی باغملک (نویسنده مسئول)
استادیار گروه مشاوره و روان شناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران

چکیده

پژوهش پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ی سبک های دلبستگی و مولفه های تمایزیافتگی با تاب آوری در دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان تهران در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفت. روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. به همین منظور نمونه ای با حجم ۳۲۵ نفر از دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان تهران با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و پرسشنامه های سبک های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، تمایزیافتگی اسکورون و فریدلندر و تاب آوری کانر و دیویدسون بر روی آنان اجرا شد. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. یافته ها نشان داد که همچنین دلبستگی اجتنابی و جایگاه من با تاب آوری رابطه مثبت و معنا داری دارد (P<۰۱/۰). در نتیجه می توان گفت چون افراد دلبسته ایمن، از تمایزیافتگی بالایی برخوردارند بنابراین در روابط خود باز بوده و از تاب آوری بالاتری نسبت به افراد دلبسته نا ایمن برخوردارند و در مقابل افراد دلبسته نا ایمن به دلیل اجتناب از موقعیت ها و نیاز داشتن به تایید دیگران، در روابط خود تمایزیافتگی پایین تری دارند و به گونه ای تاثیرگذار از تاب آوری پایینی برخوردارند. همچنین می توان گفت، جایگاه من و ویژگی های آن یعنی احساس یکپارچه خود و توانایی پیروی اندیشمندانه از اعتقادات شخصی خود با وجود اعتدال فشار از سوی دیگران، پیش بینی کننده قوی و مثبت تاب آوری افراد در مواجهه با حوادث و مشکلات زندگی است.

واژگان کلیدی: سبک های دلبستگی، مولفه های تمایزیافتگی، دلبستگی اجتنابی، جایگاه من، تاب آوری.

Raziyeh Valiei
Department of Educational Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University
Ayat Karimi Baghmalek *
Assistant Professor, Department of Counseling and Psychology, Farhangian University, Tehran

Abstract

The purpose of this research was to investigate the relationship between attachment styles and differentiation components with resiliency in a university student at Farhangian University in Tehran during the academic year of 2011-2012. The method of this research is descriptive and correlational. For this purpose, a sample of 325 students from the University of Farhangian University in Tehran was selected by multistage cluster sampling method. Adolescent style Collins and Reid questionnaires, Skuron and Friedlander distinctions, and Conner and Davidson perseverance were applied to them. . For data analysis, Pearson correlation analysis and multivariate regression analysis were used. The findings also showed that there is a positive and significant relationship between avoidance attachment and my position with resilience (P <0.01). As a result, it can be said that the secured attachment subjects have a high degree of differentiation, so they are open in their relationships and have higher levels of resilience than those who are attached to them, and they are vulnerable to unwary persons due to situations avoiding and needing approval. Others have a lower degree of differentiation in their relationships, and they are effective in lowering their resilience. It can also be said that my position and its characteristics, that is, their unified sense and the ability to follow a thoughtful approach to their personal convictions, despite the moderation of pressure from others, is a powerful and positive predictor of the resilience of individuals in the face of life's events and problems.

Keywords: Attachment Styles, Differentiation Components, Avoidance Attachment, I-Position, Resiliency

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت :** آبان ۹۶ **پذیرش:** دی ۹۶ **ویرایش نهایی** : مهر۹۸

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

مقدمه

یکی از مهم ترین پیشرفت های نیمه دوم قرن بیستم پیدایش نظریه هایی است که بر نقش فرآیندهای عالی موثر بر مهار و هدایت فرآیندهای شناختی[۱] تاکید می نماید. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم می توان ورود سازه ی تاب آوری[۲] را به عرصه ادبیات روان شناسی تحولی[۳]، انقلابی نو در نحوه نگرش روان شناسان[۴]، روان درمان گران[۵]، روان پزشکان[۶] و مددجویان[۷] به شمار آورد، به گونه ای که پیش از این برای کودکانی که در معرض سواستفاده[۸] قرار می گرفتند یا شرایط ناگوار زندگی را تجربه کرده بودند آینده ای تاریک و نه چندان خوشایند متصور می شدند. اما شناسایی تاب آوری بینشی دگرگون و امیدوارانه برای ساختن فردای این کودکان و نجات بزرگسالان پدید آورد. تاب آوری خصیصه ای است که به صورت کاملا طبیعی رخ می دهد (لمی و غزل[۹]، ۲۰۰۱ ، به نقل از عباسپور دوپلانی و همکاران،۱۳۹۰). رویکرد روانشناسی مثبت گرا[۱۰]، با توجه به استعدادها و توانمندی های انسان (به جای پرداختن به نابهنجاری ها[۱۱] و اختلال ها[۱۲]) در سال های اخیر مورد توجه روانشناسی قرار گرفته است. این رویکرد، هدف نهایی خود را شناسایی سازه ها و شیوه هایی می داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارند. در این میان، تاب آوری، در حوزه های روانشناسی تحول، روانشناسی خانواده[۱۳] و بهداشت روانی[۱۴] جایگاه ویژه ای یافته و در زمینه پیامدهای تاب آوری، شماری از پژوهش ها به افزایش سطح سلامت روانی اشاره داشته است. تاب آوری یکی از عوامل محافظت کننده ای است که نقش مهمی در موفقیت افراد و جان به در بردن از شرایط ناگوار دارد. دانشجویان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور، در تحقق اهداف نظام آموزشی نقش و جایگاه ویژه ای دارند، توجه به این قشر عظیم جامعه از لحاظ آموزشی و تربیتی، باروری و شکوفایی هر چه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را موجب می گردد. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۲) دانشجویان متشکل از نهاد اجتماعی خانواده هستند که دست کم سه نسل را در بر می گیرد. یکی از عوامل تاثیرگذار در برآورده شدن سلامت روان افراد نوع دلبستگی[۱۵] است که در افراد شکل گرفته است. به بیان دیگر افراد دارای سبک دلبستگی ایمن[۱۶] از نظر سلامت روان از افراد دارای سبک های اجتنابی[۱۷] و دوسوگرا[۱۸] در وضعیت مطلوب تری بسر می برند (واگن، باتل، تایلورو دیرمن[۱۹]، ۲۰۰۹؛ نیشیکاوا، هاکلف، سندبام[۲۰]، ۲۰۱۰؛ فیرون، بیکرمن، ایجزندرون، لاپسلی و رویزمن[۲۱]، ۲۰۱۰؛ رحیمیان،۱۳۸۷، به نقل از مظفری و همکاران،۱۳۹۰). در چنین نظامی، افراد به وسیله ی علایق و دلبستگی های هیجانی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند یافته اند. (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱) نتایج پژوهش ها نشان می دهد بین سبک دلبستگی ایمن و میزان تاب آوری، رابطه مثبت و معنادار و بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و میزان تاب اوری، رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی و میزان تاب آوری رابطه معنادار وجود ندارد. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۲). رابطه ی اعضای خرده فرهنگ ها[۲۲] رابطه ای عمیق و چند لایه[۲۳] است که عمدتا بر اساس تاریخچه ی مشترک، ادراک ها و فرض های مشترک و درونی شده راجع به جهان و اهداف مشترک بنا نهاده شده است. ممکن است از شدت این علایق و دلبستگی ها در طی زمان کاسته شود، اما باز هم علایق مزبور در سراسر زندگی به بقای خود ادامه خواهند داد. اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی[۲۴] می گردند، می تواند گامی مفید در راستای

[1] Metacognitive processes
[2] resiliency
[3] Transformation psychology
[4] psychologist
[5] psychotherapist
[6] psychiatrist
[7] client
[8] abuse
[9] Lemay & Ghazal
[10] Positive psychology
[11] abnormality
[12] disorder
[13] Family psychology
[14] Mental health
[15] Attachment style
[16] Secure attachment
[17] Aoidance attachment
[18] Ambivalent attachment
[19] Vaughn, Battle, Taylor, Dearman
[20] Nishikawa, Haqqlof, Sundbom
[21] Fearon, Bakermans, Ijzendoorn, Lapsley & Roisman
[22] subcultures
[23] multilayer
[24] Social institution

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

ارتقای فرهنگ جامعه باشد. بوئن[1] معتقد است در جامعه ی انسانی نوعی نیروی زندگی[2] که از ریشه ای غریزی[3] برخوردار است، کودک رو به رشد را به شخصی برخوردار از عواطف مجزا[4] تبدیل می کند که می تواند به تفکر، احساس یا عمل بپردازد. در واقع، این نیرو، نیرویی است که افراد را به سمت تمایزیافتگی[5] سوق می دهد. همزمان نیروی دیگری که آن هم ریشه ی غریزی دارد، کودک و خانواده را به حفظ پیوندهای هیجانی[6] یا با هم بودن[7] سوق می دهد. در نتیجه این نیروهای تعادلی، هیچ کس به جدایی هیجانی کامل[8] از خانواده دست نخواهد یافت لیکن از لحاظ مقدار تمایزی که هر فرد به دست می آورد، تفاوت های قابل ملاحظه ای وجود دارد. (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱). اغلب به روابط خانوادگی به عنوان مسبب این مشکلات اشاره می شود (هالی ،۱۹۸۰؛کرامر ،۱۹۸۲). از این رو، بررسی کامل مولفه ها و سازوکار های دخیل در حفظ پیوندهای خانوادگی ضروری به نظر می رسد. خانواده به عنوان نخستین پایگاه شکل گیری شخصیت، اساسی ترین عامل به وجودآورنده تمایزیافتگی یا استقلال عاطفی افراد است (زکی یی وهمکاران،۱۳۹۳). مطالعه عوامل تاثیرگذار بر تاب آوری می تواند برای تدوین برنامه ها، سیاست ها و مداخلات معطوف بر ارتقا شایستگی و پیشگیری یا تخفیف مشکلات در زندگی افرادآگاهی بخش باشد. همچنین اجرای این پژوهش در میان دانشجویان می تواند زمینه را برای شناسایی عوامل تاثیرگذار بر تاب آوری دانشجویان را مشخص کند و با شناسایی عوامل موثر بر تاب آوری می توان برنامه هایی جهت افزایش تاب آوری دانشجویان تدارک دید که به نوبه خود می تواند موجب پیشرفت تحصیلی آنها شده و به پیشرفت علمی کشور کمک کند.لذا این پژوهش با هدف تعیین رابطه سبک دلبستگی و تمایز یافتگی به عنوان عاملی موثر بر تاب آوری دانشجویان انجام می شود.

روش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع پس رویدادی می‌باشد که در آن روابط بین متغیرهای ک و تاب آوری به عنوان ملاک و سبک های دلبستگی و مولفه های تمایزیافتگی به عنوان پیش‌بین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیّه دانشجویانی است که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ در دانشگاه فرهنگیان در حال تحصیل می باشند و تعداد این دانشجویان ۲۲۰۰ نفر می باشد. دراین پژوهش از طریق روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای سه دانشکده و از هر دانشکده ۴ کلاس انتخاب شد، سپس در کل از هر ۳ دانشکده ۳۲۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RAAS). این مقیاس شامل خود ارزیابی[9] از مهارت های ایجاد روابط و خود توصیفی[10] شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ داده می باشد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای (از نوع لیکرت[11]) که از؛ به هیچ وجه با خصوصیات من مطابقت ندارد(۱)، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد(۵)، تشکیل می گردد سنجیده می شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر کدام شامل ۶ ماده است مشخص می شود، ۳ زیر مقیاس عبارتند از:

- وابستگی(**D**)[12] : میزانی را که آزمودنی ها به دیگران اعتماد می کنند و به آنها متکی می شوند به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی اند، اندازه گیری می کند.
- نزدیک بودن(C)[13] : میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند.
- اضطراب(A)[14] : ترس از داشتن رابطه را می سنجد (پاکدامن،۱۳۸۰).

[1] Bowen
[2] Life Force
[3] instinct
[4] Separate emotions
[5] differentiation
[6] Emotional links
[7] Togetherness
[8] Complete emotional separation
[9] Self-assessment
[10] Self-description
[11] Likert scale
[12] dependece
[13] closeness
[14] anxiety

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

کولینز و رید (۱۹۹۰، نقل از پاکدامن،۱۳۸۰) بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد ۳ سبک اصلی دلبستگی وجود داشت مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی- دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می دهد، بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید (۱۹۹۰،نقل از پاکدامن،۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ[1] را برای هر زیر مقیاس این پرسش نامه در ۳ نمونه از دانشجویان به صورت زیر گزارش دادند.

زیر مقیاس تعداد	ایمن	اجتنابی	دوسوگرا
۱۷۳	٪ ۸۱	٪ ۷۸	٪ ۸۵
۱۳۰	٪ ۸۰	٪ ۷۸	٪ ۸۵
۱۰۰	٪ ۸۲	٪ ۸۰	٪ ۸۳

با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۸۰ ٪ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسش نامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر که به طور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسش نامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۹۵ ٪ دارای اعتبار است.

پرسش نامه تمایزیافتگی . این ابزار یک پرسش نامه ۴۶ سوالی است که به منظور سنجش میزان تمایزیافتگی افراد به کار می رود و کانون توجه اصلی آن روی ارتباطات جاری اعضا با خانواده های اصلی آنهاست (اسکورون، ۲۰۰۳، به نقل از محمودی مهر، ۱۳۸۹). این ابزار دارای ۴ خرده مقیاس : واکنش پذیری عاطفی، موضع من، گریز عاطفی و آمیختگی یا آمیزش عاطفی با دیگران است. این ابزار با مقیاس چند گزینه ای (لیکرت) در یک طیف شش گزینه ای درجه بندی شده است. نمرات کمتر در این ابزار نشانه سطوح پایین تر تمایزیافتگی خویشتن است و نمرات بالاتر نشان دهنده تمایزیافتگی بیشتر است.لازم به ذکر است که چون نمرات بالاتر در یک خرده مقیاس نشانگر تمایزیافتگی بیشتری می باشد لذا نمره واکنش هیجانی پایین تر در مقایسه با نمره بالاتر، به معنای واکنش هیجانی بیشتر است.

پایایی این ابزار بر روی ۲۶ دانش آموز سال اول دبیرستان مطهره با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ برابر با ۸۱٪ محاسبه شد که در حد عالی است (اسکیان، ثنایی، نوابی نژاد، ۱۳۸۴، به نقل از محمودی مهر، ۱۳۸۹). ضریب آلفای کرانباخ گزارش شده توسط اسکورون و فریدلندر (۲۰۰۳) ۸۸٪ می باشد که همین ضریب پایایی در پژوهش دیگری برابر با ۸۶٪ گزارش شده است (پلچ پوپکو ، ۲۰۰۴، به نقل از محمودی مهر، ۱۳۸۹).

مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون*(CD-RISC)* . این مقیاس دارای ۲۵ سوال است و توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، جهت اندازه گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید، تهیه شده است. برای هر سوال طیف درجه بندی ۵ گزینه ای شامل: کاملاً نادرست، به ندرت درست، گاهی درست، اغلب درست و همیشه درست، در نظر گرفته شده است. برای مثال:"می توانم برای هر چیزی که سر راهم قرار می گیرد، چاره ای بیاندیشم." محمدی(۱۳۸۴) این پرسش نامه را برای استفاده در ایران انطباق داده است.روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا) و پایایی (به روش بازآزمایی و آلفا کرونباخ) مقیاس توسط سازندگان آزمون در گروه های مختلف (عادی و در خطر) احراز گردیده است. در پژوهش سامانی، جوکار و صحرا گرد (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ ۸۷ ٪ برای پایایی این آزمون به دست آمد. روایی و پایایی این آزمون در سایر تحقیقات داخلی نیز مورد بررسی و تاکید قرار گرفته است (محمدی،۱۳۸۴ ؛بشارت، ۱۳۸۶ و کرد میرزا ،۱۳۸۸).

[1] Cronbach's alpha

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

کلیه داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۱ تجزیه و تحلیل می‌شوند. با استفاده از روش رگرسیون مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.در این پژوهش سبک های دلبستگی و مولفه های تمایزیافتگی متغیر پیش بین و تاب آوری به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

یافته ها

سوال پژوهش: متغیرهای سبک های دلبستگی و مولفه های تمایزیافتگی تا چه اندازه تاب آوری را پیش بینی می کنند؟

به منظور بررسی این موضوع که آیا سبک های دلبستگی و خودتمایز یافتگی، تاب آوری افراد را پیش بینی می کند از آزمون رگرسیون خطی همزمان[1] استفاده شده است.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون

خطای استاندارد برآورد	R^2تعدیل شده	R^2	R
۱۳/۴۱	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۵۱

با توجه به جدول ۲، مقدار ضریب همبستگی(R) بین متغیرها ۰/۵۱ می باشد که نشان می دهد بین مجموعه خرده مقیاس های دلبستگی و خودتمایزیافتگی و تاب آوری همبستگی نسبتاً قویی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده(R^2 αdj) برابر با ۰/۲۴ می باشد، نشان می دهد که تنها ۲۴ درصد از کل تغییرات تاب آوری به وسیله ی متغیرهای پیش بینی کننده تبیین می شود.

جدول ۳. معناداری مدل رگرسیون برای تاب آوری بر اساس خرده مقیاس های سبک های دلبستگی و خودتمایزیافتگی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی داری
رگرسیون	۱۳۲۹۳/۴۵۸	۷	۱۸۹۹/۰۶۵	۱۰/۵۵۳	۰/۰۰۱
باقیمانده	۳۶۵۳۰/۳۷۱	۲۰۳	۱۷۹/۹۵۳		
جمع	۴۹۸۲۳/۸۲۹	۲۱۰			

بر اساس نتایج جدول۳، مقدار ($F = ۱۰/۵۵ , p <۰/۰۱$) نشان می دهد متغیرهای پیش بین از قدرت تبین نسبتا خوبی برخوردار بوده و قادرند۲۴ درصد از میزان تغییرات و واریانس تاب آوری را توضیح دهند.

جدول۴.: جدول ضرایب رگرسیون خرده مقیاس های سبک های دلبستگی و خودتمایزیافتگی درکل نمونه

متغیر	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده B	ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده β	t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۲۶/۱۶۲		۲/۴۳	۰/۰۱۶
دلبستگی ایمن	۰/۵۵۰	۰/۰۹۸	۱/۵۵	۰/۱۲۱
دلبستگی اجتنابی	۰/۷۶۱	۰/۱۳۲	۲/۰۶	۰/۰۴۱
دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	-۰/۲۲۸	-۰/۰۷۱	-۰/۹۷	۰/۳۳۰
واکنش پذیری	۰/۱۶۱	۰/۰۸۵	۰/۹۸	۰/۳۲۷
جایگاه من	۰/۷۶۰	۰/۳۳۹	۵/۴۲	۰/۰۰۱
گریز عاطفی	۰/۰۴۳	۰/۰۲۴	۰/۳۳	۰/۷۳۷
هم آمیختگی بادیگران	۰/۱۶۳	۰/۰۹۱	۱/۱۸	۰/۲۳۶

[1] Enter Liner Regressin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

براساس نتایج جدول ۷-۴، از بین خرده مقیاس های سبک های دلبستگی، دلبستگی اجتنابی و از بین خرده مقیاس های خودتمایزیافتگی، جایگاه من در پیش بینی تاب آوری معنی دار بوده و بقیه متغیرها در معادله رگرسیون معنی دار نبوده اند. ضریب بتای ۰/۱۳۲ دلبستگی اجتنابی نشان می دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر سبک دلبستگی اجتنابی، باعث افزایش ۰/۱۳۲ انحراف استاندارد در تاب آوری می شود. ضریب بتای ۰/۳۳۹ جایگاه من نشان می دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر جایگاه من، باعث افزایش ۰/۳۳۹ انحراف استاندارد در تاب آوری می شود.

معادله رگرسیونی را می توان با استفاده از ستون ضرایب استاندارد نشده به شرح زیر محاسبه کرد:

(دلبستگی اجتنابی) ۱۶۲/۷۶۱+۲۶/۰= تاب آوری

(جایگاه من) ۱۶۲+۲۶/۷۶۰=تاب آوری

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده می توان نتیجه گرفت که افراد دلبسته ایمن و دلبسته نا ایمن اجتنابی، کمتر تحت تاثیر اضطراب های موجود در جو عاطفی خانواده و جامعه قرار می گیرند در حالی که زندگی در خانواده تمایزنایافته و با کارکردی ناسالم، افراد دلبسته ناایمن دوسوگرا را در معرض آسیب های ناشی از اضطراب مزمن قرار داده وسلامت روان آنها را تهدید می کند. بنابراین داشتن تمایز و تعادل عقلانی بین احساس و منطق، این امکان را به افراد ایمن و اجتنابی می دهد که در مقایسه با افراد دوسوگرا تاب آوری بالاتری داشته باشند. . با این حال، گرچه افراد دلبسته ایمن و اجتنابی در مقایسه با افراد دوسوگرا تاب آوری بالاتری دارند ولی نوع و کیفیت تمایزیافتگی افراد دلبسته ایمن با افراد دلبسته اجتنابی و دوسوگرا متفاوت است به طوری که افراد دلبسته ایمن دارای تمایزیافتگی و بیشتر هم آمیختگی با دیگران می باشند و افراد دلبسته اجتنابی در جایگاه من، شاید به این دلیل که تمایزیافتگی افراد دلبسته اجتنابی از خود مثبت و از دیگران منفی است و به استقلال و جدا شدن از دیگران بیشتر از برقراری روابط صمیمی و نزدیک ارزش می دهند. افراد دلبسته دوسوگرا در زمره افراد دارای تمایزیافتگی قرار نمی گیرندکه می تواند ناشی از الگوهای عمل درونی این افراد باشد که نسبت به خود منفی و نسبت به دیگران مثبت است که این موجب می شود برای حفظ حس خود-ارزشمندی بسیار به تایید دیگران وابسته باشند. همچنین مشاهده می شود که افراد دارای تمایزیافتگی جایگاه من از تاب آوری بیشتری نسبت افراد دارای گریز عاطفی برخوردارند، که این نشان می دهد که اطلاع از خویشتن خویش، جدایی عاطفی از اعضای خانواده و بیان احساسات و عواطف، موجب تاب آوری بیشتر افراد می شود.

منابع

بشارت، محمدعلی، غفوری، بهاره و رستمی، رضا. (۱۳۸۶).مقایسه ی سبکهای دلبستگی بیماران مبتلا به اختلالهای مصرف مواد و افراد غیرمبتلا. *پژوهش درپزشکی مجله پژوهشی دانشکده پزشکی*، سال۳، شماره ۳۱، ۲۷۱-۲۶۵.

بیرامی، منصور، فهیمی، صمد، اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلایی، احمد. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و مولفه های تمایزیافتگی، *مجله اصول بهداشت روانی*، سال ۱۴.

پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی*، رساله دکتری روان شناسی، دانشگاه تهران.

جوکار، بهرام و رحیمی، مهدی. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر شیراز. *مجله روانپزشکی و روان شناسی با لینی ایران، سال ۱۳*، شماره۴، ۳۸۴-۳۷۶.

زکی یی، علی، کرمی، جهانگیر، علیخانی، مصطفی و نوروزی، علی. (۱۳۹۳). تبیین تمایزیافتگی خود بر اساس سبک های دلبستگی و آلکسی تیمیا. *مجله علوم رفتاری، دوره ۸، شماره ۲*، ۱۳۹-۱۴۷.

سامانی، سیامک، جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس. (۱۳۸۶). تاب آوری، سلامت روانی و رضایت مندی از زندگی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم*، شماره ۳، ۲۹۵-۲۹۰ .

سیدمحمودی، سیدجواد، رحیمی، چنگیز و محمدی، نورالله.(1392). عوامل موثر بر تاب آوری در افراد مواجه شده با ضربه روانی. *مجله پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد، سال۱*، شماره۱، ۵-۱۴.

عباسپور دوپلانی، طاهره و بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۰). رابطه راهبردهای فراشناختی و خلاقیت با تاب آوری در دانشجویان. *مجله یافته های نو در روان شناسی*، ۱۰۹-۱۲۲.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

کردمیرزا نیکوزاده، عزت اله. (۱۳۸۸). الگوی زیستی- معنوی- روانی در افراد وابسته مواد و تدوین برنامه مداخله برای ارتقاء تاب آوری مبتنی بر روایت شناسی شناختی و روان شناسی مثبت نگر، رساله دکتری روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

محمودی مهر، مریم. (۱۳۸۹). *تاثیر زوج درمانی گروهی با رویکرد بوئن بر میزان تمایزیافتگی زوج های مراجعه کننده به مرکز مشاوره مهر* در سال ۱۳۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات.

مظفری، محمدصادق، سهرابی شگفتی، نادره و سامانی، سیامک. (۱۳۹۰). نقش واسطه گری تاب آوری در ارتباط بین ابعاد دلبستگی و سلامت روان. *مجله روش ها و مدل های روان شناختی*، سال دوم، نیمسال دوم، ۱۶۵-۱۸۲.

Connor, K. M. & Davidson, J. R. T. (2003). Development of new resilience scale: the connor- Davidon, Resilience scale (CD-RISC). *Depression and anvety*, *18*, 76-82.

Fearon, R. Pasco; Bakermans-kranenburg, Marian J. ;Van Ijzendoorn, Marinus, H. ; Lapsley, Anne, Marie; Roisman, Glenn, I. (2010). *This significance of insecure attachment and disorganized in the development of children externalizing behavior. child development*, v8/n2 p435-456.

Haley, J. (1980). *Leaving home*. New York: McGraw-Hill.

Kraemer, S. (1982). Leaving home and the adolescent family therapist. *Journal of Adolescence, 63*, 633-640.

Nishikawa, saori; Haqqlof, Bruno; sundbom, elisabet.(2010).Contributions of attachment and self-concept on internalizing and externalizing problems among Japanese adolescents.*journal of child and family studies*, *19*, 78-84.

Vaughn, Lisa M.; Battle, Julie V. Taylor Trisha; Dearman, Laura.(2009).Learning style and the relationships to attachment styles and psychological symptoms in college women. College *student journal, v43 n3 p723-735*.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.10.6]